

بمناسبت سی و سومین سالگرد شهادت رفیق بیژن جزنی و یاران اش،



صحراگاه سی ام فروردین ماه ۱۳۵۴ رفیق بیژن جزنی به همراه شش تن از یاران اش به نامهای: حسن ضیاءظریفی، عزیز سمرمدی، مشعوف (سعید) کلاتنری، عباس سورکی، محمد چوپانزاده، احمد جلیل افشار. به همراه دومجاهد بنامهای کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل درحالیکه دستهایشان از پشت بسته شده بود در تپه های اوین بدست جلادان رژیم شاه به رگبار گلوله بسته شدند و جان خویش راه در راه آزادی و برابری فدا کردند.

همه این زندانیان سیاسی قبلا دربیدادگاه های شاه محکوم شده بودند و درحال سپری کردن دوران زندان خود بودند که رژیم شاه در ترس از نقش انقلابی، روشنگرانه و سازمانگرانه آنها



در زندان و فرمان داد تا آنها را دست بسته به تپه های اوین برده و به رگبار ببندند. رژیم بعد از این جنایت در ترس از افکار عمومی در روزی نامه های خود اعلام کرد که آنها در حال فرار گشته شده اند. **ادامه در صفحه ۴**

وضعیت جنبش کارگری در آستانه اول ماه مه، مطالبات و شعارها

فعالین جنبش کارگری و کمونیستی در هر وضعیتی که قرار داشته باشند، آستانه اول ماه مه را به تجزیه و تحلیل مبارزات یک سال گذشته و به جمع بندی از نقاط قوت و ضعف خود اختصاص میدهند. مطالبات و خواست های خود را بررسی و هماهنگ میکنند. اشکال مختلف مبارزه در گذشته، حال و آینده را مورد ارزیابی قرار میدهند. برنامه و تاکتیکهای جدید خود را انتخاب میکنند. در عین حال اول ماه مه روز جهانی کارگراست بنا بر این است که تمام تلاشهای نظری و عملی جنبش کارگری در یک همبستگی جهانی علیه نظام سرمایه داری متجلی میشود و به همین منظور معمولاً هر سال در آستانه اول ماه مه اتاق سازمان مباحثی را به جنبش کارگری اختصاص میدهد. تا در یک گفتگوی مشترک با فعالین جنبش کارگری به سهم خود در جمع بندی مبارزات یک سال گذشته کارگران و در تدوین خواست ها و مطالبات و تاکتیکها و پیگیری آنها در مبارزات پیش روی مشارکت کند. امید وارم این مباحث کمکی باشد در نگرشی واقع بینانه تر به مبارزات طبقه کارگر در ایران و جهان و همینطور در اتخاذ تاکتیکها و روشهای انقلابی و کارآمد در مبارزه، همه ما را یاری رساند.



ادامه در صفحه ۲

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

در آستانه اول ماه مه قرار داریم. اول ماه مه روز تجلی همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان است. روزی که کارگران دست از کار میکشند. به خیابانها می آیند، تا ضمن طرح مطالبات و خواسته ها و اهداف خود، صف متحد و جهانی خویش را در برابر سرمایه به نمایش بگذارند. اول ماه مه فرصتی است تا کارگران در ابعاد سراسری و جهانی به قدرت و توانائی خود در مصاف با بربریت سرمایه و ایجاد جهانی نو و عاری از ستم استثمار پی ببرند. ما فرارسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر را به همه کارگران ایران و جهان شادباش میگوئیم و در نبرد طبقاتی بین کار و سرمایه که در ابعادی جهانی جریان دارد برای همه کارگران آرزوی پیروزی مینمائیم.

ادامه در صفحه ۷

در این شماره

فراخوان کارگران مبارز کارخانه نساجی «ماهالا» Mahalla به کارگران جهان در صفحه ۱۰

اول ماه مه ۲۰۰۸ در مرکز استانبول در صفحه ۸

کمیته ایالتی تهران در صفحه ۱۲

برپاخیز ای داغ لعنت خورده، روز روز تو و بیکار بیکار توست. در صفحه ۸

یورش کمونیست فدائیلرین آذربایجان ایالتی کمیته سی در صفحه ۸

بذی یه گه می مانطی مئی (رؤدی جهانی گریگار) در صفحه ۱۲

پیرامون تشدید سرکوب در بلوچستان و اعدام رهبران مذهبی در این منطقه در صفحه ۱۱

حمله نیروهای سرکوب رژیم به کارگران اعتصابی ایران صدرا و دستگیریهای گسترده کارگران در صفحه ۱۲

بیانیه کارگران نیشکر هفت تپه به مناسبت روز جهانی کارگر در صفحه ۱۱

تقدیم به کارگران شریف ایران زمین و همه یاوران صدیقش بمناسبت فرا رسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر. در صفحه ۱۰

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

وضعیت جنبش کارگری در آستانه اول ماه مه، مطالبات و شعارها

روشن است که در این جلسه و در این فرصت نمیشود مسائل جنبش کارگری را بطور همه جانبه بررسی کرد و نظرات جامعی درباره موضوعات مطروحه ارائه داد. بنا براین با توجه به فرصتی که بمن داده شده است سعی میکنم ابتدا هرچند مختصر به وضعیت عمومی جنبش کارگری ایران در شرایط کنونی پردازم و سپس اگر وقتی باقی بود به مطالبات عمده و شعارهای اول ماه مه امسال هم اشاره ای بکنم.

پیرامون وضعیت عمومی فعلی کارگران ایران و جنبش کارگری زیاد گفته و نوشته شده است. با وجود اختلاف نظرات در بین فعالین جنبش کارگری، اما تقریباً همه متفق القولند که همزمان با تعرض نظام سرمایه داری به دست آورد ها و حقوق کارگران در سراسر جهان، کارگران ایران نیز درکنار تحمل همه مصاعب و محدودیت ها و ستم و استثمار نظام حاکم بر ایران، بیش از یک دهه است که تبعات پیاده کردن سیاست های نئولیبرالی را باگوش و پوست خود تجربه میکنند و از آنجائیکه این اقدامات ضد کارگری مورد پشتیبانی سرمایه جهانی نیز هست، بنابراین دست دولت و سرمایه داران ایران از این بابت نیز در تعرض به ابتدائی ترین حقوق و معیشت کارگران بازتر شده است.

اگر طبقه کارگر در اغلب کشورهای سرمایه داری بویژه در کشورهای اروپائی در نتیجه اعمال سیاست های نئولیبرالیستی با بیکارسازیهای دسته جمعی، تورم و کاهش دستمزد های واقعی و از دست دادن دست آوردهای چندین ده ساله مواجه شده اند، اما حد اقل تا کنون توانسته اند برخی از دست آوردهای خود را هرچند بصورت تعدیل یافته و سرودم بریده، حفظ کنند. نظیر برخورداری از حق بیکاری، بیمه های اجتماعی، حق اولاد، مسکن و حق تشکل و اعتصاب و غیره..

اما کارگران ایران درحالی با این تعرض متحدانه و حشیانه نظام سرمایه داری درجهان و ایران مواجه هستند که از حق تشکل، اجتماعات، اعتراضات و آزادی بیان محرومند. به جز بخش اندکی از طبقه کارگر، کارگران ایران از بیمه های اجتماعی، از حقوق بیکاری، تامین و تضمین شغلی محرومند. بین سطح دستمزد ها با قدرت واقعی خرید شکافی پرنشدنی وجود دارد که در نتیجه تورم داخلی و انتقال رکود و تورم سرمایه جهانی به اقتصاد ایران و

برداشته شدن سوبسید کالاهای ضروری و.. این شکاف هر ساعت و روز بیشتر و بیشتر میشود. عدم پرداخت حقوق و دستمزدها، سرداندن و خسته کردن کارگران، همزمان فشار و تهدید برای قبول تصمیمات ضد انسانی و ضد کارگری کارفرماها و دولت، زیر سر نیزه نیروهای امنیتی، به همراه اخراجهای دسته جمعی به صورت وسیعی در جریان است. قراردادهای موقت بعد از زیر و رو کردن کارخانجات و شرکت های خصوصی و نیمه دولتی به بخش های دولتی نیز تعمیم داده شده است. گروه گروه کارگران رسمی اخراج و به جای آنها تعداد کارگران کمتری را با قرارداد های برده ساز به کار میگذارند. ناهنجاریهای اجتماعی محرومیت های وصف ناپذیر دامنه کودکان، زنان و جوانان و نوجوانان طبقه کارگر و محرومین جامعه را گرفته و آنها را به تباهی کشانده است.

هر اعتصاب و اقدامات کارگری منفک، یا با سرکوب مواجه میشود و یا با فریب و نیرنگ آن را از مسیر اصلی خود منحرف میکنند و هیچ گونه اجازه ای به امکان اعتصابات سراسری و همبسته نمیدهند. فعالین و پیشروان کارگری را شناسائی و به زندان میاندازند و به اعتراضات بین المللی وقعی نمینهند.

با این همه محرومیت ها و بگیر و ببند ها طبقه کارگر ایران راهی نداشته و ندارد جز اینکه برغم پراکندگی و نبود تشکل و حزب و با وجود محروم بودن از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود، به مبارزه برخیزد. در این مبارزه، طبقه کارگر ایران تا آنجا که میتواند چهارچوب های قانونی ارتجاع را شکسته و دست به اعتصاب، اعتراض و تظاهرات زده است. بی اغراق تحرک کارگران ایران در سالهای اخیر بویژه در سال گذشته در سطح جهان بی نظیر بوده است. صد ها اعتصاب، تحصن، تظاهرات، بستن جاده ها، تعطیل کارخانه ها بوقوع پیوسته است. فقط به اخبار کارگری دوسه روز اخیر نگاه کنید تا وسعت تحرکات کارگری و خواست ها و مطالبات شان را در سراسر ایران ملاحظه کنید.

بدون اینکه به تاثیر همه جانبه این اعتصابات و تحرکات کارگری در مهار زدن به تعرضات رژیم و سرمایه داران کم بها دهیم، و یا این اعتصابات را بمثابه بزرگترین مکتب آموزش طبقه کارگر حتی تارده های پائین آن در مواجهه با نظام سرمایه داری انکار کنیم. اما این واقعیت را نمیشود انکار کرد که این مبارزات هنوز از انفراد و پراکندگی خود بدر نیامده است. اتحاد عمل پایدار حتی رشته هائی از صنایع و مراکز کارگری که با بحران های مشابه و خواست های مشابه مواجه هستند، تحقق نیافته است.

بی تردید این مبارزات بدون رهبری پیش برده نمیشود که این رهبری ها عموماً از طریق مجامع عمومی خود کارگران انتخاب میشوند. معهداً رژیم تلاش کرده با دستگیری و تهدید و تطمیع رهبران کارگری و یا با دستگیر و زندانی کردن آنها امکان سازماندهی و بوجود آوردن همبستگی و اتحاد در عمل کارگران را مانع شود. و یا با فریبکاری نمایندگان خود گماشته شورا های اسلامی کار را به جلو صحنه رانده است تا اینها بتوانند با دفاع ظاهری از کارگران و با وعده و وعید های تو خالی در بین آنها اختلاف بیاندازند، از همبستگی و اتحاد کارگران واحد های مختلف جلوگیری بکنند و مبارزات آنها را منحرف و زیر سیطره خود در آورند.

در چنین شرایطی بموازات رهبران واقعی رهبرانی که در صورت آگاهی به منافع طبقاتی خود و آگاهی به روند های سیاسی اجتماعی و پایداری در دفاع از کارگران نوش دارویند در غیر اینصورت زهر حلالحل، رهبران خود خوانده و دلسوزان طبقه کارگر هم از میان طبقات مختلف و نیز از میان خود کارگران بسیارند که بیاد طبقه کارگر میافتند با تئوریهای ضد و نقیض برای طبقه کارگر نسخه میپیچند، میخواهند خارج از محیط کار و مبارزه کارگران با دولت و سرمایه داران، برای کارگران تشکل ایجاد بکنند، تومار امضا جمع میکنند. تا اگر بورژوازی تاب تحمل اعتصابات کارگری را ندارد. به درخواست امضا کنندگان عطف توجه کرده و بگذارند بصورت مسالمت آمیز به ایجاد تشکل های مورد نظر خویش به پردازند. اگر چه میان کارگران نبوده اندو حتی یک اعتصاب را هم تجربه نکرده اند، اما توسط اتحادیه های زرد کارگری به رهبران شناخته شده جنبش کارگری آن هم نه در ایران بلکه در سراسر جهان تبدیل شوند. اینها هم البته از بدایع روزگار ما است و طبقه کارگر ناگزیر است با همه این پدیده ها به مبارزه برخیزد.

علاوه بر اینها جناح های مختلف بورژوازی نیز بیکار ننشسته اند. از اصلاح طلبان محو ولایت فقیه گرفته تا روشنفکران لیبرال طبقه متوسط، استادان دانشگاه ها و نویسندگان و روزنامه نگارانی که خود بیشتر از همه خواهان ثبات سرمایه و پیاده شدن بی درد سر نئولیبرالیسم و قوانین سرمایه جهانی در ایران هستند. سعی میکنند از این نم کلاه برای خود بپاوند.

تهاجم به طبقه کارگر ایران و تحرک متقابل کارگران بقدری شدید و گسترده است که سازمانهای سیاسی طرفدار طبقه کارگر هم به گردپایش نمی رسند. حتی ظرفیت انعکاس مبارزات کارگران و



کنش و واکنش سیاسی در قبال آن را در خود نمیابند. حرکت‌ها با قدری سریع و وسیع و زیاد هستند که گاه در انعکاس اخبار آن هم دچار مشکل میشوند. باید دوید دنبال طبقه کارگر! هنوز اطلاعیه حمایتی از یک حرکت منتشر نشده کارگران حرکت بعدی و اقدام بعدی را انجام داده‌اند. تا چه رسد به نقش سازماندهی و شرکت عملی در مبارزات آنها و مواجهه نظری با تمام گماشتگان بورژوازی ایران از هر رنگ و لون آن که از وظایف مهم و اصلی سازمانهای کمونستی و طرفدار طبقه کارگر است.

اگر بخواهم صحبت‌م را در این بخش در یک جمله خلاصه کرده و به بخش دیگر بحث امروزان بپردازم، میتوانم با تاکید بگویم این جدالی است که در صحنه سیاسی ایران جریان دارد. اگر تحولات در عرصه جهان، منطقه و ایران را نیک بنگریم برخلاف ترهات خورده بورژواها و بورژوالیبرالها این جدال تعیین کننده اصلی روند‌های سیاسی در ایران و منطقه است.

تنها از این منظر است که میتوان درک درستی از مضمون و راستای مبارزات طبقه کارگر ایران بدست آورد و تنها از منظر تحولات و درگیریهای طبقاتی است که میتوان تحولات سیاسی ایران، سرمایه جهانی در رابطه با ایران را بررسی و پاسخ درستی دریافت کرد. برخلاف کسانی که فکر میکنند و تبلیغ و ترویج میکنند که تغییرات در کابینه‌های انتصابی دولت، و نمایندگان انتصابی مجلس و کشمکش بین اینها و یا قرار گرفتن نظامیان در راس حکومت اسلامی، بمنظور یک دست کردن حاکمیت در مواجهه با بحرانهای خارجی و حتی شورشیهای داخلی است، من این تحولات را ناشی از جریان همین جدال عظیمی که بین طبقه کارگر و بورژوازی ایران در جریان پیاده کردن قرارهای سرمایه جهانی و معقول و منطقی کردن نظام سرمایه داری ایران رخ داده و میدهد، میدانم. سرشت اجتماعی کشمکشها و تغییرات در روبنا را باید در نتایج همین کشمکشهای طبقاتی جستجو کرد.

هم سرمایه جهانی در راس آن امپریالیسم آمریکا و هم سرمایه داری ایران در راس آن دولت اسلامی با تمام تضاد و تناقضات اش، خواهان تغییرات در جهت هماهنگ شدن با سرمایه جهانی در پیش برد سیاست نئولیبرالی و استقرار یک نظام سرمایه داری مبتنی بر بخش خصوصی هستند. دولت قبلی که به دولت اصلاحات معروف بود با کمک و مساعدت نهاد های بین المللی کارگری تلاش زیادی کردند تا این روند را بدون مواجهه با حرکتها و شورشیهای کارگری

به سرانجام مطلوب اش برسانند. اما نتوانستند و با اولین موج اعتصابات کارگری و شورشیهای دانشجویی عقب نشستند و به ولایت فقیه پناه بردند.

دولت احمدی نژاد سرکار آمد تا این استراتژی را از یک طرف با تکیه بر شعارهای پوپولیستی و از طرف دیگر با تشدید بحران خارجی و به مساله ملی تبدیل کردن پرونده آتمی و خطر حمله نظامی آمریکا، به رغم همه تناقضات ساختاری اش بمورد اجرا بگذارد. در این جدال حتی او موفق شد ناسیونالیسم عظیم طلب ایرانی را بیدار و حامی خود کند. دولت امام زمانی که افسارش در دست ولایت فقیه است با تشدید سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت تلاش کرد قرارهای سرمایه جهانی را به نحوی به اجرا بگذارد که هم ارکان ساختار مافیائی قدرت و ثروت ترک بر ندارد و هر گروه به سهم خود از این خوان یغما منتفع شوند و به آن رضایت دهند. و هم جلوی تعرض طبقه کارگر و شورشیهای ناگزیر توده ای ناشی از طبقات منفی سیاست اقتصادی دولت را بگیرند.

اشتباه است اگر تصور کنیم که دولت ایران در پرداخت حقوقهای معوقه کارگران دچار بحران و کمبود منابع مالی است. برعکس؛ درآمد سرشار نفت تاکنون نه تنها دولت را در سازماندهی ارگانهای سرکوب و اداره بورکراسی عرض و طویل ایران یاری رسانده است و بخش مهمی از طبقات متوسطه جامعه نیز با متمتع شدن از این خان یغما به پایگاه آن تبدیل شده‌اند، بلکه این درآمد سرشار درجائی که مقاومت کارگران واحدی شکست ناپذیر شده است به کمک دولت آمده تا با پرداخت بخشی از حقوق عقب افتاده آنها، از تشدید مبارزه و گسترش آن به بخشهای دیگر جلوگیری کنند.

مسئله عبارت از این است که قوانین سرمایه جهانی مثل هر کشور دیگر سرمایه داری باید در ایران هم پیاده شوند. راه گزینی از آن نیست. بدون این پیش شرط ها نه سرمایه ایران ثبات کافی را خواهد داشت و نه امکان سوخت و ساز منظم و بی دردسر آن با سرمایه جهانی و نیات امپریالیسم امکان پذیر خواهد بود.

اما معضل طبقه حاکم مبتنی بر نظام اسلامی در پیاده کردن این استراتژی علاوه بر تناقضات نظام ساختاری ایران و تضاد منافع گروه های مختلف طبقه سرمایه دار ایران در چگونگی پیاده کردن قرارهای سرمایه جهانی و موجی که ناگزیر دامن آنها را هم گرفته است، که جای بحث آن اینجا نیست. اما معضل مهم برای کل بورژوازی ایران و حاکمیت اسلامی آن در پیاده کردن این استراتژی جنبش کارگری است که

باتوجه به ساختار اقتصادی قبلی و فعلی ایران، اجرای چنین برنامه ای اعتراضات و شورش های کارگری را اجتناب ناپذیر میسازد. مهار این جنبشها و جلوگیری از رادیکالیزه شدن آنها تنها از طریق سرکوب و یا ایجاد جنگ و درگیری در داخل، همچون دامن زدن به جنگ مذاهب و ملیت ها و یا دامن زدن به بحرانهای خارجی، همچون «بحران هسته ای» امکانپذیر و قابل مهار میتواند باشد.

سرمایه جهانی در راس آن امپریالیسم آمریکا هم که خواهان تغییرات مورد نظر خود در ایران و سلطه در منطقه است، از رادیکالیزه شدن جنبش کارگری بیش از آن هراس دارد تا از یک رژیم می که بتواند زیر سرنیزه سرکوب منویات آن را در ایران پیاده کند. لذا اگر لازم باشد حاضر است شاخ و شانه کشیدن های آن را تحمل کند. بشرطی که رژیم اسلامی و طبقه حاکم این پروسه را آنقدر طولانی نکنند که جنبش کارگری غیر قابل کنترل شده و به یک جنبش سوسیالیستی رادیکال

فراروید و تحولات اجتماعی سمت و سوئی انقلابی بخود بگیرد و مهار اوضاع از دست آنها خارج گردد. چون اگر چه هنوز در نبود جریانات انقلابی و سوسیالیستی در منطقه جریانات ارتجاعی اسلامی با شعارهای پوپولیستی و ضد آمریکائی میدان دار مبارزه با باصلاح سلطه طلبی غرب شده‌اند، اما آنها میدانند که در ایران دیگر مذهب امتحان خودش را پس داده و باتوجه به یک انقلاب عظیم پشت سر، اگر این جنبش کارگری مهار نشود و اوضاع به همین منوال پیش برود، خطر یک انقلاب رادیکال کارگری هم ایران و هم منطقه را تهدید میکند. لذاست که آنها اگر هم جنگی را سازمان دهند نشانه این است که صبرشان تمام شده و احتمال گسترش مبارزات رادیکال کارگری میتواند اوضاع را برایشان غیر قابل کنترل کند. از اینرو جنگ آنها اگر اتفاق افتد جنگی خواهد بود بر علیه جنبش رادیکال کارگری و سایر جنبشهای رادیکال اجتماعی که در کمین نشسته و طلایه های آن از هم اکنون در افاق ایران نمایان است. این جنبشها میتوانند در درخواست ها و برنامه کارگران رهائی خود را از قیود ظلم و ستم حاکم مشاهده کنند. و این خطر بزرگی برای منافع سرمایه جهانی و طبقه حاکم ایران است که آنها را در سرکوب و امحای جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش های اجتماعی و بویژه آلترناتیو سوسیالیستی متحد میکند.

با توجه به این واقعیت میتوان مدعی شد که جنبش کارگری در ایران و یا حرکت های کارگری در ایران برغم خواست

بمناسبت سی و سومین سالگرد شهادت رفیق بیژن جزئی و یاران اش،

دونامه از بیژن به همسرش

عشق من

خوب، مرگنامه نویسم. امروز سالروز ازدواج ماست. در چنین روزی توحلقه ازدواج بدست کردی و در گل و سرور غرق شده بودیم - هرچند که فراموش نمیکنم که در همین روز ناراحتی هائی هم داشتیم. به هر حال ما در هرشرایطی که باشیم، این روز را گرامی خواهیم داشت. این روز را سمبل عشق خود قرار خواهیم داد. هرچند که از چند سال پیش از این روز، روابط عاشقانه ما آغاز شده است. در این روز بوسیله این نامه لبهایت را می بوسم و تو بابک و مازیار را، من هم چنان امیدوارم که در روزهای بهتری بتوانیم در ۲۱ مهرماه دورهم باشیم. تو خوب میدانی که ما خود این نحوه زندگی را اختیار کرده ایم ولی بهتر از من میدانی که در این اختیار ضرورتی اجتناب ناپذیر وجود دارد. یعنی که ما نمیتوانستیم جز این بیاندیشیم و خود را تسلیم خورد و خواب و لذت فردی بکنیم. در اینجا به نامه کوتاه خود خاتمه میدهم و در عالم خیال تو را در آغوش میگیرم.

بیژن - ۲۱ مهرماه ۱۳۴۷

نامه دوم

میهن عزیزم ، همسرم

چشمان ستمکشیده ات را میبوسم و بابک و مازیار را نیز که باید رنجی بزرگ را تحمل کنند، میبوسم.

دیروز چهارشنبه هفتم اسفند ماه دلقکان که نام قاضی نظامی بر خود گذارده اند، رای به محکومیت ماصادر کردند و مصالح هیات حاکمه را در این تشخیص دادند که من پانزده سال و دوستانم اغلب ده و هشت سال در زندان بمانیم. در اینکه صادرکنندگان آرا این شکم های متحرک نبوده اند تردیدی نیست. ولی کسیکه و یا کسانی که رای را انشا کرده اند، آشکارا رای به محکومیت بی چون و چرای نظام موجود داده اند. متن رای بیش از صد بار تکرار کرده است که متهمین اظهار داشته اند که در جامعه ما آزادی وجود ندارد و حقوق ملت پایمال شده و میشود. در چنین جامعه ای و با چنین دستگاه حاکمه مستبدی جز مقابله قهرآمیز راهی باقی نمانده است. دادنامه یعنی آنچه در مقدمه رای نوشته میشود (.....)، به شرح اظهارات متهمین در مرحله تحقیقات ساواک پرداخته و در پایان نظریه ساواک راتائید کرده است.

اگر این رای که تقریباً شامل بیست صفحه است

امسال ۲۱ مهرماه، یعنی روز رسمیت دادن به روابط عاشقانه مان در ۹ سال قبل، درشرایطی فرا میرسد که من و تو در مقابل آزمایش بزرگی قرار گرفته ایم، درحالیکه عشق ما از بوته آزمایش سربلند بیرون آمده است. خودمان در مقابل حوادثی قرار گرفته ایم که صداقت و راستین بودن ما را به آزمایش فرا میخواند. این دومین باری است که در ۹ سال اخیر چنین روزی را در زندان بسر میبرم. ولی این زندان با ۴۴ تفاوت زیادی دارد. شاید این بزرگترین حادثه زندگی ما باشد. اینک مدتی است که درانتظار احکام جابرانه محکمه تشریفاتی بسر می برم. و میدانم که تو حق داری پیش از من از این آرا اندیشناک باشی.

به هر حال بگذار برای تو اعتراف کنم که درحالیکه بیش از هر وقت دیگر شیفته زندگی هستم و بیش از هر وقت تو را می پرستم و به تو احترام میگذارم و قلبم از شوق دیدار بابک و مازیار و تو (ولی نه اینکه تو موخر باشی) به تپش درمیاید، آماده ام تا بدون تاسف و اندوه شدید از زندگی خود بگذرم. چند روز پیش با بچه ها صحبت میکردیم. بعضی نگرانند که فدای هیچ میشوند، گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده بشوند. به آنها گفتم: اگر قرار است هریک از ما در راه آرمانهای بشری و فکری خود جان بدهیم، تفاوت زیادی نخواهد داشت که در این مرحله و یا به این صورت و یا در مرحله دیگر و یا بصورت دیگری جان خود را فدا کنیم. آنچه مهم است این است که تا به زندگی عشق داریم، جانفشانی در هر حال این گذشت را ایجاب میکند، چیزی که هست مردن درشرایطی از قبیل شرایط فعلی دشوارتر است. زیرا که در محیطی سرد وراکد جان میدهیم و میدانیم که مردن در محیطی که از هر طرف بوی مرگ میآید و در هر آن ده ها نفر جان خود را از دست میدهند، آسان تر است.



«بیژن تابلوی سیاهکل را در سال ۱۳۵۰ در زندان عشرت آباد کشیده است. در تابلو، «جنگل» ی است پر از دار و درخت و، خورشیدی...»

خورشید پیدا هست و پیدا نیست! گوزن با تاریکی و با موانع راه (علف هایی هرز و خشک و یک لاشه خوار و یک گاو ...) می ستیزد. آیا گوزن سمبل مبارزین دلیری است که علیه ستم و استثمار سلاح به دست گرفتند؟ آیا گوزن نماد پویائی و از خودگذشتگی است؟

گوزن با شمشیری که در دست چپ گرفته فریاد زنان صف خفاش ها را می درد و پیش می تازد با اینکه می داند شاخ های زیبایش را شاخه های خشکیده جنگل شکار می کند! دست راست گوزن روی نوری درخشان قرار گرفته و چشمی (عنصر آگاهی) در کف دست و میان نور نقش شده که نشان می دهد گوزن بی گدار به آب (به جنگل) نمی زند یعنی می داند که به عروسی نمی رود!

در رنگ بندی ها و قلمگیری سعی شده پیکر گوزن به تنه درختان جنگلی شبیه باشد چرا که اولاً گوزن آشنا است، بیگانه نیست رنگ و بوی جنگل را دارد، ثانیاً قدرت و عزم استوار را تجسم می بخشد، استواری همراه با آرامش و زیبایی، که در تابلو با خطوط منحنی که بیانگر حس آرامش و اطمینان است مشاهده می کنیم...»

دورتر در تبعید باشم دمی از خیالت و زندگی ات و رنجهایت غافل نخواهم بود و بچه ها با بهانه هایشان با احساسات شان. سرنوشت من و تو نه فقط سرنوشتی پرافتخار است بلکه سند محکومیت جباران، ستمگران و دشمنان ملت ماست و سند محکومیت سازشکاران و واحش سیاسی است. من امیدوارم طی سالهای آینده که امیدوارم برای ما اگرچه غم انگیز است ولی نوید بخش باشد، بتوانیم بکمک تو شرف و خیثیت خودمان را که خوشبختانه با خیثیت مردم ما گره خورده است، حفظ کنیم و توار هر لحاظ در این مبارزه نقش بزرگی خواهی داشت. از نظر یک همسر در غیاب شوهر اش، و از نظر یک مادر در غیاب پدر فرزندان اش که نقش مری برای آنها دارد، از نظر یک رفیق درسنگری تنها و دور از رفیق اش و از نظر معشوق دور از عاشق اش و بیش از این نمی نویسم. واقعیتهای دور و بر ما آنقدر گویاست که نیازی به لفظ ندارد. باز هم ترا میبوسم و هر جا که باشم هرگز، هرگز ترا و زندگی مشترکمان را از جلو چشم دور نخواهم داشت.

بیژن هشتم اسفند ماه چهل و هفت

فردی خود ا.... بود برای ما این امر را مسلم کرد که نقش اصلی را در محکومیت ما روش ما در تسلیم نشدن به سازمان امنیت و دادستانی ارتش و بطور کلی دستگاه استبدادی داشته است. اما ا.... چندان محکوم نمیکنم. زیرا او مدتها بود از مبارزه کناره رفته بود و اگر در دادگاه اول و در مرحله بازپرسی هماهنگی خود را با دایگران حفظ کرده بود، صرفا بخاطر منافع عموم بوده است که خود او چنان مصلحت میدید.

در پایان این مطلب متذکر میشوم که روش ا.... قبل از بازداشت و در تمام مراحل تحقیق خالی از زیان بود و هیچ نوع اتهام پلیسی و همکاری و از این قبیل براو چسبندگی ندارد. و باید تمایل عمومی را که در این مورد میخواهند فردی انا بود کنند و اورالجن مال کنند، کنترل کرد. و حدالمقدور نظر مارانست به او که بطور کلی شبیه نظر من است متذکر شد. دکتر م.... نیز عینا مثل ا.... آزاد و مختار بود که هر چه میخواهد بگوید و آنچه کرد صرفا به تصمیم خود او بود. باین تفاوت که روش او در مراحل بازداشت و تحقیق علیرغم روش او در محکمه، را بچه ها فراموش نمیکنند. زیرا زبانی جبران ناپذیر بر ما روا کرده است.

عزیز دلم واقعه تازه ای اتق=فاق نیافتاده است. شوهر تو که هنوز سرش برگردن اش چسبیده است، مثل هزاران نفر بخاطر حق و عدالت رنجهای بردگی را تحمل کرده اند، محکوم به زندانی سنگین شده است. من محکوم شده ام که در سن چهل و پنج سالگی آزاد شوم و حال آنکه اینک بیش از سی و یک سال ندارم. ولی تو آیا اجازه میدهی که با تو به لفظی که ما را دو فرد جلوه دهد سخن بگویم. من خود نمیتوانم چنین کنم. تو محکوم شده ای که بیش از من رنج ببری. ولی من مطمئنم که من و تو میتوانیم بخوبی این سالها را تحمل کنیم. ما میدانستیم که مبارزه در راه آزادی فداکاری و جانبازی میخواهد و تو امروز که میبینی اگر من در دادگاه دستگاه فعلی را تایید میکردم و یا حتی قدمی جلوتر، سازشکارانه از رسوائی آن جلوگیری میکردم، نه فقط امروز نزد تو و بچه ها بودم بلکه تا خرخره در آلودگیها میتوانستم غرق بشوم. رنجی که ما تحمل خواهیم کرد به این دلیل قابل تحمل است که ما با پوست و گوشت خود نتیجه انتخاب خود را میتوانیم درک کنیم. آنچه شده بود میتوانست به هیچ انگاشته شود. آنچه اخیرا شد، نمیشد. و انتخاب من و تو بود که آنچه را که شد برگزید.

میهنم، چه در این زندان باشم که با تو امکان ملاقات هفتگی دارم و چه در صدها فرسنگ

در هر زمان و مکان منتشر شود، زره ای حیثیت و آبرو برای دستگاه حاکمه باقی نمیماند و بهترین معرف کسانی است که بموجب این رای محکوم شده اند. حتی برای گ.ا. نشان میدهد که نه تنها عقاید قبلی متهمین و روابط آنها مستوجب محکومیت است، بلکه در درجه اول پایداری آنها در دفاع از آزادی و سرافروزدن در مقابل دستگاه حاکمه مستبد ای که دارای همه نوع امکان و قدرت است، علت یک چنین مجازاتهای ستمگرانه ایست. همانطور که شما در جلسه همین دادگاه حاضر بودید و دیدید که ک.ا. در آخرین دفاع اصلاحات دولتی و شخص شاه را تایید کرد. من نسبت به عمل او اظهار نظر نخواهم کرد ولی براءت او بخاطر این تائید و با توجه به شش سال محکومیت در دادگاه قبلی و اینکه سایر محکومیت ها کوچکترین تغییری نکرد، نشان میدهد که ما بخاطر آخرین عملمان یعنی دفاع از آزادی و ملت ستمدیده مان محکوم شده ایم و این ننگی است بر چهره دستگاه حاکمه فعلی و از سوی دیگر هدیه است به دوست داران آزادی و انسانیت و حق شناسی است نسبت به ملت ما.

در مورد ک... باید بگویم صرف نظر از روابطی که ما ده نفر قبل از بازداشت داشتیم که قطعا یکسان و همانند نبوده است ولی در دادگاه اخیر برای همه آزادی عمل کامل وجود داشت. و هر کس میتواند خود سرنوشت خود را انتخاب کند. و حتی برای اینکه دوستان ما که در ردیف آخر متهمین قرار گرفته اند، دچار رودربایستی نشوند، من با آنها از رنجهای آینده، از واقعتهای تلخ گفتگو کردم ولی بجای تشجیع به سرسختی توصیه کردم که حال که شرایط مساعدی برای آزادی آنها وجود دارد، آزاد شوند و طوری نشود که بعد ایشیمان شوند و از کرده خود رنج ببرند. من به این دوستان تبریک میگویم که علیرغم توصیه من توانستند روی پای خود بایستند. و صرف نظر از اینکه در آینده چه نقشی در زندگی سیاسی خود داشته باشند، شهامت و دلاوری آنها قابل ستایش است. در این میان ا.... در آن حد مطالبی نوشت و از من خواست، اگر اظهار این مطالب لطمه ای از هر نوع که باشد به دیگران وارد میآورد، به او بگویم تا از بیان آن صرف نظر کند. همانطور که در جلسه دادگاه به تو گفتم (قبل از آخرین دفاع متهمین ردیف آخر) من از کم و کیف دفاع او اطلاع داشتم. سایر بچه ها نیز میدانستند او چه خواهد گفت. بله من به ا.... گفتم: مطمئن باشید اظهار این مطالب و یا هر مطلب دیگری زبانی متوجه ما نخواهد کرد و امروز میگویم صرف نظر از نتیجه این اظهارات که آزادی

وضعیت جنبش کارگری در آستانه اول ماه مه، مطالبات و شعارها

های اقتصادی و عمدتاً دفاعی جدالی است نه تنها اقتصادی درعین حال سیاسی که افت و خیز آن و نیز سرانجام آن سرنوشت آزادی، دموکراسی برابری و غیره را در جامعه ما رقم خواهد زد.

این مختصری بود از وضعیت و موقعیت طبقه کارگر ایران که در آستانه اول ماه مه ایستاده است.

با توجه به این موقعیت است که میتوان به حدود و ثغور مطالبات و شعارهای کارگران در اول ماه مه پرداخت.

لازم به گفتن نیست که، مسئله نئولیبرالیسم یک سیاست جهانی سرمایه داری است. تهاجم سرمایه به کارگران و تبعات آن همانطور که گفتیم در حد اخراجها، قراردادهای موقت و پائین بودن حقوق و غیره مسئله همه

کارگران جهان است که شعارها و مطالبات کارگران ایران در این روز درعین حال بیانگر همبستگی با کارگران جهان در اعلام جنگ به سرمایه جهانی است که باید در شعارهای اول ماه مه تجلی یابد.

اما درعین حال وضعیت طبقه کارگر ایران ویژه است. ویژه گی آن این است که مبارزات آن بدلیل ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران و وضعیت گذشته و حال طبقه کارگر و... در درخواست های صنفی متوقف نمیشود. حرکت طبقه کارگر در شرایط فعلی ایران از عنصر بسیار قوی ساختار شکن برخوردار است. بنا بر این در کله خودش سیاسی است، درعین حال بدلیل ایستادگی در برابر قوانین جهان شمول سرمایه داری، یعنی نئولیبرالیسم و تبعات آن، با کارگران سراسر جهان همصدا و بین المللی هم هست. پس طبقه کارگر در همبستگی خود با کارگران جهان باتوجه کارگران دارای منافع مشترک و در خیل از موارد شعارها و مطالبات مشخص هستند. بنا بر این شعارهای اول ماه مه خود را لزوماً باید با توده کارگران هماهنگ سازد، نه سران اتحادیه های زرد بوروکرات که خود به نحوی در پیاده کردن قوانین سازمانهای بین المللی و ملی سرمایه، همدست آنها هستند.

۲ طبقه کارگر ایران و پیشروان آن باید سعی کند در ارتباط با کارگران کشورهای دیگر، ارتباط از پائین را تایید و تشویق کنند و آن را پی گیرانه به مورد اجرا بگذارند. چرا که اتحادیه ها با

حرکتهای رادیکال کارگران ایران که ناگزیر از انجام آن هستند، موافق نخواهند بود و از آنها به حمایت عملی بر نخواهند خواست و پشت آنها را خالی خواهند کرد و سیاسیتها

و منافع



جمعی را بگیرند، امکانی ناشدنی و توهمی بیش نیست. در آن صورت سرمایه داری سرمایه داری نمیشد. باد در نظر گرفت که کارخانه ها و صنایعی که باید خصوصی بشوند خصوصی خواهند شد. کارخانه ها و صنایعی که در عرصه بازار آزاد سرمایه داری و تحت قوانین نئولیبرالیسم قادر به رقابت با همتهای خارجی خود در بازارهای مصرف نیستند، با همه عظمت شان با هر تعداد کارگری که داشته باشند، از دور خارج خواهند شد و کارگران آنها دیر یا زود اخراج و یا باز خرید خواهند گردید.

۵- از این رو در کنار شعار پرداخت حقوق های معوقه و برگرداندن کارگران اخراجی به سرکارهایشان که بمثابة اهرم فشار عمل میکند. میباید بطور وسیع و قاطع حقوق بیکاری و بیمه های اجتماعی را در تمام سطوح شاغلین و بیکاران مطرح کنند.

کارگران باید دست کمک های موسسات خیریه را که بدینوسیله میخواهند اوضاع را بطور موقت برای بخشی از آنها قابل تحمل تر کنند تا بتوانند بتدریج سیاست های خود را پیاده کنند، کنار بزنند.

۶- در مورد حق اعتصاب و حق تشکل که اغلب بعنوان درخواست مطرح میشوند. من معتقدم که اینها حق طبقه کارگر است. این حق را هیچ کس دیگری نمیتواند به او بدهد و یا بذل و بخشش کند، شعار کارگران باید این باشد که همزنجیران؛ همکاران؛ خود باید تشکل مورد نیاز خویش را ایجاد کنیم. این شعار را باید تبلیغ ترویج و در ذهن توده کارگران جاگیر کنند، که تشکل حق ما است.

اعتصاب تظاهرات و تجمعات حق ما است. کسی نمیتواند آنرا از ما بگیرد. اعتصاب حق مسلم ماست.

۷- اگر آزادیهای سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی در مواردی جنبه سمبولیک به خاطر اهداف مبارزاتی طبقه کارگر بخود میگرد و خیلی ها از طرح چنین شعارهایی اجتناب میورزند و آن را چپ روی میدانند. امروز که مدام زندان و شکنجه کارگران را تهدید میکند. کارگران زیادی در زندان بسر میبرند و در هراعتصاب نیز عده بیشتری دستگیر و اگر موقت هم شده روانه زندان میشوند. شعار آزادی زندانیان سیاسی ربط مستقیمی پیدا ←

د و ل خود و بورژوازی خود را به منافع کارگران ایران ترجیح خواهند داد. و در نهایت حمایت آنها از حد نامه نگاری فراتر نخواهد رفت. اما شناسائی موقعیت کارگران ایران توسط توده های کارگر و ارتباط از پائین، در آینده که اتحادیه های زرد در مقابل حرکت رادیکال ضد سرمایه داری کارگران ایران قرار خواهند گرفت، میتوانند مدافع عملی جنبش کارگری ایران باشند و عملاً بادیست زدن به اقدامات عملی موثر، از مبارزات کارگران ایران حمایت کنند.

۳ / پس در این عرصه شعارهای طبقه کارگر ایران میتواند تبعات عمومی نئولیبرالیسم را هدف قرار دهد که هم جنبه داخلی و هم جنبه جهانی دارند.

۴- عدم پرداخت حقوقهای معوقه بستن کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراجهای دسته جمعی یکی از موارد بسیار عمومی و مهمی است که طبقه کارگر ایران عموماً درگیر مبارزه با آن بوده و هست.

در این عرصه کارگران ایران بویژه کارگران پیشرو باید بدانند که امکان اینکه بتوانند در بلند مدت جلوی خصوصی سازی را بگیرند مانع از تورم و افزایش قیمتها و برداشته شدن سوبسید کالاهای ضروری و یا بسته شدن بخشی از کارخانه ها..باشند و یا جلوی عدم پرداخت بموقع حقوقها و سردواندن و اخراجهای دسته

میکنند با خواست ها و مطالبات توده وسیع و اعتصابی کارگران.

بنابراین آزادی زندانیان سیاسی میتواند جزو شعارهای اول ماه مه امسال باشد

۸- آزادی زنان لغو کارکودکان

۹- آزادیهای سیاسی....

۱۰- مبارزات صنفی کارگران یکی از ابزارهای ضروری مبارزه با گرایش نظام سرمایه به کاهش سطح زندگی کارگران است. روشن است که اگر این مبارزه بدون و یا جدا از مبارزه سیاسی کارگران صورت گیرد، سرانجام به تبعیت از منافع طبقه سرمایه دار کشیده خواهد شد.

از این رو، بی شبهه وظیفه کارگران پیشرو و سوسیالیست متشکل در احزاب سیاسی و یا محافل کارگری است که ضمن رهبری مبارزات روز مره کارگران، برخورد با اعتصابات منفرد را در یک مبارزه طبقاتی واحد بر علیه نظام حاکم سازمان دهند.

علاوه بر اینها هر تشکل کارگری ولویه شکل اتحادیه ای، با توجه به وضعیتی که از آن صحبت کردم باید مد نظر قرار دهند که مبارزه

استفاده خواهد کرد و یابین تشکل ها دروند خود با سرکوب و محدودیتهای بسیاری مواجه شده و مضمحل خواهند شد.

و سرانجام شعار استراتژیک کار --- مسکن --- آزادی میتواند بعنوان شعار محوری کارگران در اول ماه مه مطرح و جنبه توده ای بخود بگیرد. من بدلیل ذیق وقت صحبتم را در همینجا تمام میکنم و ضمن شادباش اول ماه مه روز جهانی کارگر، امید وارم مبارزات طبقه کارگر آن مسیری را طی بکند و به آن حد از آگاهی، سازمان یابی و تشکل و تحزب برسد که ضمن پیروزی در مبارزات جاری و روز مره خود، به رسالت تاریخی خود در رهبران کردن خود و جامعه از ستم و استثمار و زور و سرکوب نظام سرمایه داری پی ببرد و در تحولات آینده آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی خود را مطرح و برای به کرسی نشاندن آن مبارزه کند.

یدی شیشوانی
جلسه سخنرانی ۱۵ آپریل ۲۶ فروردین ۲۰۰۸
بمناسبت فرارسیده اول ماه مه

اقتصادی طبقه کارگر در شرایط فعلی تنها در ارتباط صحیح با مبارزه سیاسی آن میتواند به بهبود وضعیت اقتصادی و زندگی آنها کمک کند. از اینرو نه تنها از منافع اقتصادی بلکه از منافع سیاسی بلاواسطه طبقه کارگر نیز باید و مجبورند دفاع کنند.

در این مبارزه توامان است که تشکل سراسری و اتحاد اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر میسر میشود. و هر چه بیشتر پرچم آلترناتیو سوسیالیستی را در جنبش های اجتماعی داه از در میاورد. روندی که در آن بخش آگاه و پیشاهنگ پرلناریا متحد و متشکل میشود و مبارزه طبقه کارگر برای ایجاد نظم سوسیالیستی و شرایط لازم برای تحقق آن را فراهم میسازد.

در عین حال این تشکلهای، بویژه کارگران پیشرو بموازات فعالیت و رهبری مبارزات روز مره در میان کارگران، اگر نتوانند هسته ها و حوزه های منسجمی که بتوانند با تلفیق کارعلنی و مخفی به مبارزات کارگران تداوم بخشند، ایجاد کنند، هیچ امیدی نخواهد بود که این تشکل ها یا به تشکلهای قاتونی تبدیل شوند که رژیم از آنها برا تعدیل مبارزات کارگران

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

کارگران پیشرو و مبارز

چندین سال است که سرمایه تحت عنوان « نئولیبرالیسم » طبقه کارگر در سراسر جهان را مورد یورش قرار داده است. طبیعتا طبقه کارگرایان نیز از این یورش همه جانبه در امان نبوده است. اما طبقه کارگرایان در شرایطی با طبقات این سیاست ضد کارگری مواجه بوده است که فاقد ابتدائی ترین حقوق برای دفاع از حق معیشت و زندگی خود بوده است. در کنار بیکاری و افزایش سرسام آور هزینه مسکن و سایر مایحتاج زندگی، بیکارسازیهای وسیع، عدم پرداخت حقوق و دستمزد های معوقه، تشدید استثمار و رواج قراردادهای موقت. نبود تضمین شغلی و بیمه های اجتماعی و بیمه بیکاری و... بیانگر تنها گوشه کوچکی از فشار زاید الوصفی است که توسط نظام سرمایه و دولت ارتجاعی آنها بر کارگران ایران اعمال میشود. طبقه کارگرایان در شرایطی به مصاف هجوم و تعرضات وحشیانه سرمایه رفته است که از حق تشکل و ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی و مدنی محروم بوده است.

رژیم جمهوری اسلامی بمنابته تجسم خشن ستم و استثمار سرمایه داری که طبقه کارگر را از ابتدائی ترین حقوق صنفی و سیاسی

آزادی زندانیان سیاسی اعتصاب، تشکل حق مسلم ماست

مادیر حاضر به تحمل وضعیت موجود نیستیم

از جمله شعارها و مطالباتی است که میتوانند در اول ماه مه بطور سراسری مطرح شوند. در اول ماه مه امسال ما کارگران هر جا که هستیم باید دست از کار کشیده و با تجمع و تظاهرات همبسته به سرمایه داران و حکومت اسلامی و به تمام مرتجعین نشان دهیم که در برابر قدرت کارگران هیچ نیروئی را یارای مقاومت نیست.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

زنده باد انترناسیونالیسم پر لتری

مرگ بر سرمایه داری

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۸۷

خویش محروم کرده است حتی از برگزاری مستقل مراسم های اول ماه مه روز جهانی کارگر نیز جلوگیری میکند. اما علیرغم تمهیدات سرکوبگرانه و فریبکارانه رژیم، کارگران مبارز میباید از هم اکنون خود را برای رویارویی مستقیم با رژیم و عوامل چماقدار آنها آماده کرده و بابرپائی مستقل مراسم اول ماه مه این روز را به عرصه قدرت نمائی خود در برابر سرمایه داران و رژیم سرکوبگر آنها تبدیل کنند.

ما باید در این روز بزرگ همانند کارگران سراسر جهان بابرگزاری تظاهرات و میتینگها و طرح خواسته ها و مطالبات خود، قدرت، آگاهی و همبستگی طبقاتی خود را در مبارزه علیه نظام سرمایه داری نشان دهیم.

کار - مسکن - آزادی

افزایش دستمزد ها توقف اخراجها و بازگشت اخراجیها به سر کار هایشان

پرداخت فوری حقوق و مزایای عقب افتاده برچیده شدن بساط قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران

حقوق بیکاری و بیمه های اجتماعی با شمولیت همه کارگران شاغل و بیکار

برابری زنان و لغو کارکودکان

اول ماه مه ۲۰۰۸ در مرکز استانبول

سندیکاهای کارگری ترکیه می خواهند با وجود ممنوعیت، روز اول ماه امسال در میدان مرکزی استانبول گردهمایی داشته باشند. انتظاری رود حداقل ۵۰۰ هزار نفر شرکت داشته باشند.

کشمکش مابین سندیکاهای کارگری ترکیه و دولت بر سر محلی که باید مراسم اول ماه مه در آنجا برگزار شود، بشدت حاد شده است.

نمایندگان بزرگترین سندیکاهای کارگری ترکیه * روز جمعه بر تصمیم خود مبنی بر برگزاری مراسم اول ماه در میدان بزرگ شهر استانبول با وجود ممنوعیت های اعمال شده تاکید کردند.

«تیب اردوکان» و شهرداری استانبول در مقابل نیز با چنین تصمیمی به بهانه ی مشکلات شهرداری قاطعانه مخالفت کردند. «مصطفی تورکل» از سندیکاهای می گوید:

«این بهانه است. هر ساله برای جشن سال نو یا برای بازی فوتبال و کنسرت ها در این محل مراسم برگزار می شود، فقط برای کارگران این میدان ممنوع است!»

فعالین سندیکاهای دلائل دیگری را علت مخالفت دولت با برگزاری اول ماه در مرکز استانبول برمی شمارند. به این بهانه ها جنبش کارگری ترکیه از زمان کودتا در سال ۱۹۸۰ در فرصتی ناکام گذارده می شود و به خواسته های آنان مدام وقعی نمی گذارند.

به نظر «مصطفی تورکل»:

«همچنین واقعه ی دردناک اول ماه مه ۱۹۷۷

در این میان نقش بازی می کند. در آن زمان گروه های مسلح بر روی جمعیت کارگران آتش گشودند و ۳۴ نفر کشته شدند.

و از سال ۱۹۸۰ برگزاری جشن اول ماه مه در این میدان رسماً ممنوع شده است. البته سندیکاهای بزرگ کارگری ترکیه امسال روحیه ی مبارزه

شنیدن چنین سخنانی از زبان یک سندیکای کارگری نزدیک به دولت (سندیکای ترک آی. اس) کمی غیرعادی است. چرا که هر ساله برگزاری مراسم اول ماه در چنین محلی از سوی دولت رد می شود و سندیکاهای مطیعانه بجای تجمع در این محل می روند به جای تعیین شده از سوی ماموران دولت

بیرون مرکز شهر و این در حالی است که مثلاً سندیکای مایل به چپ (سندیکای د.آی. اس. ک) سال گذشته حین راهپیمایی بسمت میدان شهر توسط پلیس مورد حمله و ضرب و شتم قرار گرفتند.

برای تصمیم غیرعادی امسال سندیکاهای بزرگ کارگری ترکیه «تیب اردوکان» خودش دخالت کرده و آنان را مورد توهین قرار داد.

اگر چنین تصمیم مشترکی از سوی سندیکاهای واقعا دوام یابد آنان در اول ماه مه امسال یک پیروزی مهم را از زمان ۱۹۸۰ کسب کرده اند و بعید است «ممنوعیت میدان تاکسیم» از سوی کاربدستان قدرت در ترکیه بتواند در مقابل مارش سه سندیکای بزرگ کارگری ترکیه دوام یابد، حتی با دخالت دادن ۱۸۲۰۰ مامور پلیسی که فرماندار استانبول می خواهد بسیج نماید.



* Türk, DISK, KESK اسامی سندیکاهای بزرگ ترکیه به اختصار:

منبع: روزنامه یونگه ولت ۲۷ آوریل ۲۰۰۸
Nico Sandfuchs گزارش از آنکارا:

برگردان: نادر ساد

جویی بیشتری از خود نشان می دهد. حداقل نیم میلیون نفر برای برگزاری اول ماه مه بسیج خواهند شد و با ۳۰۰۰ اتوبوس کارگران از سراسر ترکیه به استانبول حرکت خواهند کرد و توسط هیچ چیزی نمی توان جلوی این حرکت را گرفت. صدها هزار گل میخک بخاطر کارگران کشته شده در این میدان قرارداد می شود و در صورت لازم سندیکاهای ریسک حمله پلیس به مراسم را قبول خواهند کرد.»

بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین آذربایجان ایالتی کمیته سی

یا شاسین بیر مای دنیا ایشچیلرین بیرلیک مجادله دایانیشما گونو

بیرمای ایشچیلرین وچالیشانلارین توم دنیا عرصه سینده آینی زماندا بایرامی اولاراق، بیرلیک ده کاپیتالیسمن قباقیندا قوه قدرتلرینی نشان ویرمه ک اوچون حاضرلاشیلار .

بیرمای دا هرئیل دنیا ایشچیلری هر یرده اولوب اولسون آنجاق کی بتو ایشدن الچه کب و ئوز ایستکلرینی دوریمچی چیخیش لارینان اورتایا قویوب و بیرلیکده کاپیتالیسمه و اونون سیاسی و اقتصادی ارگانلارینین قباقیندا دایانمالارینی چوخ آچیخ شکلیده ایفاده ئیدلر.

یا شاسین بیر مای دنیا ایشچیلرین بیرلیک مجادله دایانیشما گونو

بیرمای ایشچیلرین وچالیشانلارین توم دنیا عرصه سینده آینی زماندا بایرامی اولاراق ، بیرلیک ده کاپیتالیسمن قباقیندا قوه قدرتلرینی نشان ویرمه ک اوچون حاضرلاشیلار .

بیرمای دا هرئیل دنیا ایشچیلری هر یرده اولوب اولسون آنجاق کی بتو ایشدن الچه کب و ئوز ایستکلرینی دوریمچی چیخیش لارینان اورتایا قویوب و بیرلیکده کاپیتالیسمه و اونون سیاسی و اقتصادی ارگانلارینین قباقیندا دایانمالارینی چوخ آچیخ شکلیده ایفاده ئیدلر.

آذربایجاندا بیرمای بایرامینین تانیلینماسی یوز ئیله قه درتاریخیه مالیکدی . و بو اوزون ئیله رده ظلم وستم و سرکوبا معروض قالان ایشچیلر و مخصوصا آذربایجان کمونیست و پیشرو ایشچیلری بو پیس شرایط وقره گونلره باخمی اراق گولله و سرنیزه آلتیندا اولارکن بیرمای بایرامینیندا کچیک ویا بویوک دسته لرده توپلانیب و چیخیش ئیدلر .

بوگون بیر شرایط ده بیرمای بایرامینا یاخینلاشیروخ کی اسلام جمهوریتینین و سرمایه دار طبقه سنین فشار و تعرضین آلتیندا ایشچی طبقه سی سراسر ایراندا چوخ چتین ویامان وضعیته دچار اولوب . آذربایجان ایشچی لری اوندان چوخ ملی سیتمه ده معروض قالیب لار .

قدرت و ثروت مافیالاری چالیب چاپاخدان دویمیلار، ایشچیلرین و چالیشانلارین تشکلسیزلیگینده ن و اونلارین تک توشوب بیر ال اولماماقلاریندان استفاده ئدیب هر نه جور که ایستیل له ر ایشچی لری استثماررا مجبور

ئیدلر .
ئولوبیرلیسم سیاستی پیاده نه له مک اوچون دسته دسته کارگرلری ایش ده ن بری سالیب لار، اونلارین حق و حقوقلارینی آیلار دالی سالیب وورمیلر . اجتماعی بیمه ده ن، بیکارچیلیخ حقوقیندان محروم اولان ایشچی



لر ئوز نائله لرینین معیشتین تامین تئمک اوچون نه ایله دیکلرینی بیل میلر . تحزب و تشکلین ایشچی طبقه سینده قدغن اولماسی ، آزادلیغین بوغولماسی ، دانیشتالاری و بیغیشانلاری توتوب زندانا سالماق و اونلاری ایشکنجه آلتینا آپارماق و چوخ سوزده نسونرا سرنیزه آلتیندا الی آچیق اولان ثروت و قدرت صاحب لاری هر نه بیلدیکلرینی ئیدیلر . خوراک، مسکن، تمام بیرنجی معیشت نیازلارینین گون به گون بهالانماسی، دوغوردان کی ایشچی و اشاغی درآمد صاحبیلارین و مخصوصا بیکارلارین جان لارین بوغازلارینا بیغیب . گیچه ن ئیل یوزلرجه اعتصاب، تظاهرات، آیری بیر شکلیده گورولان توپلاتیلار سراسر ایراندا از جمله آذربایجان دا جوابسیز قالیب . اما بواعتصابلاردان و اعتراضی بیغینجالاردان درس آلان ایشچیلر ئوز باشلارینا چاره قیلمالیدیلار، ایشچی طبقه سنین ئوز قدرتین ده ن سونرا هیچ بیر کس اونون ایستک لرین بیرینه یتیرمهک اوچون ایاقا قالمییاچاخ . و هیچ قدرت و قوه ده ایشچیلرین قدرتینه برابر اولابیلمز، هرگاه اونلار متشکل و متحد و آگاه اولالار . اوندان هم ئوزلرین و همده جامعه نی کاپیتالیسمن ظلم وستم و استثماریندان آزاد نه بیلر .

آذربایجان ایشچیلری !

بیرمای دنیا ایشچیلرین بیرلیک مجادله دایانیشما گونو دیر؛ رژیمین و اونون ایادیسنین و چماقدارلارینین تشبینه باخمیب ، و ئوز شهرلریزده و کندیلریزده و هریریرده کی ایشلیسیز و یا شایرسیز، خیابانلارا و میدانلارا چیچین . قول قولا و چیرین به چیرین ئوز ایستکلرینی و هدف لرینی اوجا سه سینن

مطرح ئدین .

بوگون یاخشی فرصت دیر، آیری کارگرلریله کارخانه به کارخانه و منطه قه به منطه قه تانیخ ئولون . ئوز هم طبقه لرینا رابطه قوشون ، بورابطه لری ارگانیزه ئدین . تجربه لری ، چتین نیک لری آریا قویون ، ایستک لری هماهنگ الین، رژیمین و سرمایه دارلارین تعرضین قباقیندا نه اله مه لیسیز ، انو آریا قویوب گه له جک چالیشمالاری و وروشمالاری نه طحه راولماسینی آیدینلادین .

بیرمای دا ظلم وستم و استثمار علیهنه چیخیش ادیب و ئوز ایستکلرینی آریا قویماقینان دنیا ایشچیلرین بوگونکی بیرله شمه سینده و آذربایجان ایشچیلرینین وزحمتکش خالقینین آیینشی و مبارزیه ال ویرماسی و دشمنه غلبه تاپماسی و آچیق گونلره چاتماسینا یاردیم ئدین .

ایش ----- ئو ----- آزادلیخ

تشکل، تحزب و اعتصاب بیزیم دانیلینماز حقیقیز دیر، نه اونو بیرری قرار دیر بیزه وره ونه ده بیزده ن آلابیلر . ئوز قدرتمیز ایله مستقل تشکل لری یاراداخ و هر وقت لازم اولسا اعتصابا ال ووراخ

حقوقلارین چوخالماسی ، ایشیگه سالماخلاررا سون قویماق و ایشیگه سالینالار گرک ئوز ایشلرینه قایتسینالار

موقت قراردادلار یغیشیلین

بیکارلیق حقوقی تمام ایشچیلره شامل اولومالی دیر

اجتماعی بیمه لر عمومیت تاپاسی

اوشاقلاری ایشلتمگه سون قویماق

خانیملار گرک آزاد و برابر اولالار و ارتجاعی سنت لره گرک سون قویماق

توتگون باسقین و زندان و شکنجه بیغیشیلمالیدی و سیاسی زندانله ر آزاد اولمالی

آذربایجان خالقی ئوز سرنویشینه حاکم اولمالیدی و بیز ایشچیلر بو ظلم و ستمه به زمربک

یا شاسین دنیا ایشچیلرینین بیرلیک مجادله دایانیشماسی

یا شاسین آذربایجان ایشچیلرین بیرلیگی

محو اولسون کاپیتالیسیم

یا شاسین سوسیالیسم

بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین آذربایجان

ایالتی کمیته سی

۵ اردیبهشت ۱۳۸۷

فراخوان کارگران مبارز کارخانه نساجی «ماهالا» Mahalla به کارگران جهان

اعتصاب در مصر

طبقه کارگر، سازمانهای انقلابی و کمونیستی ایران را به حمایت از کارگران اعتصابی در مصر فرامیخوانیم.

طی هفته پیش اعتراضات گسترده کارگران نساجی «ماهالا»، مصر را به لرزه در آورده است. این تظاهرات که خیابانهای شهر و دهات اطراف مهالا را در آتش خشم کارگران فرو برده است، در پاسخ به افزایش قیمت مواد غذایی، گرسنگی حاد و دیکتاتوری موجود در جامعه مصر است.

نیروهای انتظامی حسنی مبارک با استفاده از تیر اندازی، گلوله های پلاستیکی، گاز اشک آور و دیگر تدارکات پلیسی تاکنون چند نفر از کارگران را کشته و صدها نفر را مجروح کرده اند و تلاش میکنند اعتصاب کارگران را در هم شکنند. تاکنون بیش از ۸۰۰ نفر بازداشت شده اند که ۲۰۰ نفر آنان از فعالین سیاسی و ۶۰۰ نفر کارگران نساجی (که اکثر زن و کودک اند) هستند. از این دستگیر شدگان بسیاری از رهبران کارگری را هم شامل میشود. نیروهای انتظامی رژیم از تردد پزشکان، وکیل ها و فعالین سیاسی که به قصد ملاقات از مجروحین و دستگیر شده ها عازم ماهالا هستند، جلوگیری بعمل میاورند.

کارخانه نساجی «ماهالا» با ۲۵۰۰۰ کارگر از بزرگترین کارخانه های نساجی در خاور میانه بشمار میآید.

کارگران نساجی «ماهالا» - پیشگامان اعتصابهای دو ساله اخیر است - که از بیجواب ماندن مطالباتشان که افزایش دستمزدها به ۳۵۰ پوند مصری (۶۰ دلار) در تناسب با نرخ سنگین تورم، و بهبودی شرایط کلینیک کارخانه - به خشم آمده اند از دیگر کارگران هم طبقه ای خود میخواهند همبستگی و حمایت طبقاتی خود را در مبارزه و مقاومتشان علیه رژیم ضد کارگری حسنی مبارک اعلام کنند. کارگران مبارز و پیشرو، سازمانهای انقلابی مدافع طبقه کارگر!

وظعیت کنونی طبقه کارگر در مصر کم و بیش با وضعیت طبقه کارگر ایران مشابه است. رژیم ضد کارگری و سرکوب گر مصر تا کنون هرگونه صدای آزادیخواهی

و برابری طلبی را در مصر با کمک و حمایت سرمایه جهانی، در راس آن امپریالیسم آمریکا به خاک و خون کشانیده است. برزمینه نارضایتی عمومی و فقدان آزادیهای سیاسی و سرکوب شدید جنبشهای انقلابی و حرکتیهای سوسیالیستی و کارگری، جریانات ارتجاعی مذهبی که دست کمی از رژیم فعلی مصر ندارند، سعی میکنند خود را بعنوان آلترناتیو حکومت مصر جازده و توده های مردم ناراضی و جان به لب رسیده را به پشتیبانی از خود جلب کنند.

اعتصاب بزرگ کارگران «ماهالا» ی مصر در کنار اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگران ایران میتواند نقطه امید به وجود آلترناتیو انقلابی و کارگری و سوسیالیستی، امید به مبارزه مستقل و رهائی از یوغ ستم و استثمار و زور و سرکوب را در میان کارگران و زحمتکشان مردم تحت ستم و استثمار مصر، ایران و سایر کشورهای منطقه روشن سازد. از این رو وظیفه نیروهای انقلابی، سوسیالیست و بویژه طبقه کارگر ایران است که به هرنحو ممکن از مبارزات کارگران مصر به حمایت برخاسته و همبستگی خود را با مبارزات آنها اعلام کنند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بعنوان بخش هرچند کوچک اما متشکل از کارگران کمونیست ایران، حمایت و پشتیبانی خود را از کارگران اعتصابی نساجی «ماهالا» و سایر کارگران مصر اعلام و سیاست سرکوب اعتصابات کارگری توسط دولت سرکوبگر مصر را محکوم میکند. و کارگران مصر را به اتحاد، مقاومت و پایداری در برابر تعرضات طبقه سرمایه دار مصر و دولت سرکوبگر آن فرا میخواند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقه کار گرایان و مصر

زنده باد اتحاد طبقه کارگر انقلابی در سراسر جهان زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۲۳ فروردین ماه ۱۳۸۷

بیانیه کارگران نیشکر هفت تپه به مناسبت روز جهانی کارگر

روز جهانی کارگر را در حالی برگزار می کنیم که کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر پس از ۴۹ سال تولید برای اولین

تقدیم به کارگران شریف ایران زمین و همه یاوران صدیقش بمناسبت فرا رسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر.

روز کارگر

اول ماه مه رسید، کارگر شاد از این روز خوشتر، برزگر بیرق سرخ تو، بر افراشته تر خوش کارگر باز دمید پرتوی عشق و امید از راه رسید نعمت دنیا، همه از کار توست از نام توست کو، کرم و معجزه، این کار کرد؟ و آباد کرد گر تو نبودی و نساختی کار روزگار سفره رنگینشان، از کارتوست آزار توست رنج تو، گنج شیخ و دارا شده تا ثریا شده می زنی از درد و محن سازها شو چو ابتازها حلقه بز، جرگه یاران را دیوان را هی بز و ها بکن و ما بشو توانا بشو تنها و بی کس، نتوان کار کرد و دادن، زار کرد راهبر این راه، تا به فرجام، تویی دلیران، تویی یک دل و یک جا، بمیدان شو برو، آزاد شو

شاد از این روز
روز شماس، روز
رنجبر، روز تو
راحت عالم، همه
کار تو، کار ساخت
بند به بندش، نبود
دولت شان، حاصل
خشم تو، افزون
سیل خروشان
تا شکنی، طلسم
لوله کن جمع
روز خوش دیو
سنگر پوران و
پس نکش، پیش

دادا ۱۳۸۷/۲-۱۰/۱

بیانیه کارگران نیشکر هفت تپه به مناسبت روز جهانی کارگر

روز جهانی کارگر را در حالی برگزار می کنیم که کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر پس از ۴۹ سال تولید برای اولین بار در تاریخ افتتاح شرکت، کارگران شرکت سال نو را بدون دریافت عیدی و پاداش آغاز نمودیم، و به قول معروف "سالی که نکو است از بهارش پیدا است" پس از گذشت ۲ ماه از سال جدید یعنی

سال ۱۳۸۷ تاکنون حقوق اسفند ماه از سال ۱۳۸۶ و فروردین ماه از سال ۱۳۸۷ دریافت نکردیم و شایعاتی است مبنی بر فرستادن کارگران برای چندین ماه به خانه بدلیل عدم توانائی پرداخت حقوق از طرف شرکت و کارگران شرکت بیش از هر زمان در خصوص امنیت شغلی خود احساس خطر می کنند و البته در نظر دارند که کارگران را بدین شکل از شرکت فراری داده تا راحتتر بتوانند آنان را باز خرید کرده و اقدام به تعدیل نیرو نمایند. متأسفانه دلیل مشکلات شرکت را نیروی مازاد میدانند در حالی که مشکل شرکت سیاستهای غلط دولت در خصوص صنعت شکر بوده و قصد خصوصی سازی شرکت را به شکل شتاب زده انجام داده اند در صورتیکه بدین شکل شرکت خصوصی شود سرنوشت شرکت قند دزفول در انتظار نیشکر خواهد بود. البته باندهای مافیای شکر در سطح کشور و واردات شکر متأسفانه توسط دولت و عدم خرید تضمینی تولیدات شرکتهای تولید

کننده، با پایین آوردن تعرفه کمرگی توسط دولت و عدم توجه ساعدی نماینده شهرستان شوش در مجلس به مشکلات شرکت با توجه به جایگاه ایشان در مجلس که به عنوان رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس است و یکی از افرادی است که در تعیین بودجه سال ۱۳۸۶ نظر خاصی دارد. اظهارات او در خصوص محصول شکر مبنی بر اینکه تولید شکر به صرفه نبوده و توان رقابت با وارد کنندگان محصول در داخل نیست جای نگرانی دارد. از ایشان انتظار می رفت تا حداقل بتواند مانع قطع برق شرکت توسط سازمان برق باشد و کاهش آب توسط سازمان آب شود آب آبیاری که باید

کاهش تولید محصول شده اند برگزاری انتخابات، جهت تشکل آزاد کارگری (انجمن صنفی) رسمی کردن کارگران قراردادی پایان دادن به پرونده سازی و احضار فعالین کارگری پایان دادن به سرکوبی کارگران توسط فردی بنام زبیدار که رئیس حراست شرکت است پرداخت به موقع حقوق کارگران اجرای بازنگری در سطح مشاغل بندی

بازپس دادن ۲۰۰ دستگاه منازل سازمانی شرکت به کارگران آن، که در حال حاضر در دست نیروهای اطلاعاتی و انتظامی است عدم واگذاری زمینهای زراعی شرکت به بخش خصوصی که به کشت محصولات غیر از نیشکر اختصاص داده می شود به جریان انداختن امکانات رفاهی متوقف شده شرکت که از جمله سلف سرویس شرکت پیگیری و برخورد با افرادی که در بین بردن مزارع شرکت نقش دارند و در جلوگیری از ورد احشام کوتاهی می کنند اصلاح روش مزایدها و مناقصها در سطح شرکت در پایان به اطلاع مسئولین مربوطه می رسانیم که در خصوص تحقق خواستههای کارگران مصمم بوده و تا رسیدن به اهدافمان دست از مبارزه نخواهیم کشید.

علیرغم درد ورنجهای که ما کارگران روزانه با آن مواجه هستیم، روز جهانی کارگر را گرامی میداریم و به تمامی کارگران ایران تبریک می گوئیم و همگام با سایر کارگران امروز چهارشنبه در شرکت طرح ونیشکر هفت تپه مراسم گسترده ای برگزار خواهیم نمود. کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه شوش



هر زمان دیگر بیشتر کرده و دست افراد سودجو از این شرکت کوتاه نمایند. چون به این مسئله پی بردن که افرادی هدف مند قصد به تعطیلی کشاندن شرکت را دارند و لی کارگران شرکت هوشمندانه به این نیت سوء پی برده و تا آخرین نفس در حفظ آن، که حفظ ناموس و شرف آنها می باشد ادامه خواهند داد.

یکبار دیگر خواستههای خود را به اطلاع عموم می رسانیم که به قرار زیر می باشد: مشخص نمودن وضعیت مدیر عامل شرکت یعقوب شفیعی که به ندرت در شرکت حاضر است تغییر مدیران نالایق که با سوء مدیریت باعث

بذی یه‌که‌می مانطی مئی (رۆدی جیهانی کریکار)

کریکاران ، زه‌حمه‌تکیشانی و سهرجه‌م خه‌لکی سته‌م لیکراو و ضه‌وساوه :

ئه‌مه‌سالاً وه‌ک سالانی ئیشوو له‌ حالیکدا ده‌ضینه‌ ئیشوازی یه‌که‌می مانطی مئی رۆدی جیهانی کریکار که‌ ده‌سه‌لاتی سه‌رمایه‌داری و ماشینی ترس و سه‌رکوتی ئه‌و به‌ لایه‌نطری ئشتیوانانی ناوخوی و ده‌ره‌کی خوی له‌ هه‌موو بواریکه‌وه‌ هیرشی کردوته‌ سه‌ر ریزه‌کانی کریکاران و زه‌حمه‌تکیشان و بو توندتر کردنی زنجیره‌کانی دیلی به‌ ده‌ست و ئیی ئه‌وان له‌ هیض کوششیک دریغی ناکات ز ئه‌مه‌ له‌ حالیکدا یه‌ که‌ ریزی ضینی کریکاری ئیران و هاوئهمانه‌ سه‌رووشتی‌کانی ئه‌و واته‌ زه‌حمه‌تکیشانی ولات له‌ هه‌ر کاتیکی دیکه‌ بلاوه‌تر و ئه‌ره‌وازه‌تره‌ . هیشتا ضینی کریکاری ولات نه‌یتوانیوه‌ له‌ سه‌ر ئیستراتیژیکی روون و ئاشکرا تاکتیکه‌کانی خوی بو ئه‌ره‌تیدانی خه‌باتی ریک خراوی خوی هه‌لبذیری . له‌ ئاوا هه‌لومه‌رجیکدا نه‌ ئه‌نیا ضینی کریکار به‌لکو سه‌رجه‌م زه‌حمه‌تکیشانی له‌ به‌رانبه‌ر رووداوه‌ خیراکی ناوضه‌ و ولاته‌که‌مان ضه‌ک ده‌کرن و با هه‌لویست ماونه‌ته‌وه‌ . ضینی کریکاری ئیران هیشتا نه‌یتوانیوه‌ بو ئه‌ره‌تیدانی خه‌باتی سیاسی ریک خراوی خوی خاوه‌ن ئیکهاته‌ سه‌ربه‌خوه‌کانی خوی بیت . له‌ ئاوا هه‌لومه‌رجیک دا سه‌رووشتی که‌ ریزه‌کانی ده‌سه‌لاتی مافیایی حاکیم و ماشینی سه‌رکوت و زه‌بر و زه‌نطی ئه‌و هارتر بیت و خوی بو زه‌وت کردنی هه‌رضه‌شنه‌ ئازادی دیموکراتیکی سه‌ره‌تائیش ئاماده‌ بکات و ده‌سته‌ ده‌سته‌ له‌ ئه‌ززالا و ئه‌وباشه‌کانی خوی که‌ بریتین له‌

ئه‌فرازی لومته‌ن و ضه‌فۆ کیش و ویلته‌رد له‌ غالبی طه‌شته‌کانی ئاشکرا و نه‌یی ره‌وانه‌ی ناو کوضه‌ و کۆلانه‌کان بکات تاکو هه‌رضه‌شنه‌ ده‌نطیکی ناره‌زایی خه‌فه‌ بکه‌ن و ئیجازه‌ نه‌ده‌نه‌ خه‌لک تاکو به‌ راحه‌تی هه‌ناسه‌ هه‌لکیشن . به‌ر راستی دا له‌ هه‌لومه‌رجیکی وا دا ضاره‌ی کریکار و ره‌نجده‌ر ضیه‌ ؟ جطه‌ له‌ یه‌کطرتن ئایا ئیویست نیه‌ ضه‌کی کاریطه‌ر واته‌ قه‌هر و کینه‌ بیت مه‌یدان و کریکار و ضینی سته‌م کیش بو له‌ ناو بردنی ده‌سه‌لاتی سیاسی و هیزی مادی له‌ سه‌ر ئه‌ساسی قه‌هر و جه‌بر ضه‌کی قه‌هر و کینه‌ هه‌لطرآ . ئایا جطه‌ له‌مه‌یه‌ که‌ هیزی مادی به‌ هیزی مادی ده‌رووخا و بیروکه‌یک جطه‌ له‌مه‌ بیروکه‌یکی خاریج له‌ عه‌قلا و شعوری مرؤظه .

کریکاران و زه‌حمه‌تکیشانی ولات :

له‌ حالیکدا رذیمی سه‌رمایه‌داری حاکیم به‌ سه‌ر ولات و ولاتانی ئیثمیریالیستی له‌ ناوضه‌که‌دا خه‌ریکی طه‌مه‌ی مشک و ئشیله‌ن و هه‌موو رۆدیک له‌ ناو طوره‌ئانی عیراق و ئه‌فغانستان و شوینه‌کانی تر بده‌ و بستان ده‌که‌ن و هیندی جاریش شاخ و شانه‌ بو یه‌کتر ده‌وکیشن و له‌م نیوانه‌دا بو ضاوترسن کردنی خه‌لکیش قسه‌ له‌ هیز و توانای نیزامی خویان ده‌که‌ن ، ئه‌رکی سته‌م لیکراوه‌کان ئه‌مه‌یه‌ که‌ به‌ خه‌باتی ریک خراو تیطه‌یشتنی ضینایه‌تی خویان زه‌مینه‌ بو خه‌باتی سیاسی جه‌ماوه‌ری و مانطرتنی طشتی و خه‌باتی ضه‌کدارانه‌ی طشتی به‌ مه‌به‌ستی رووخاندنی ده‌سه‌لاتی تر له‌ نه‌نط و نفه‌رتی سه‌رمایه‌داری حاکیم خۆش بکه‌ن . ضینی کریکار و زه‌حمه‌تکیشانی ولات ده‌با رۆدی جیهانی کریکار بکه‌ن به‌ رۆدی ئه‌ره‌تیدانی خه‌باتی قه‌هری سه‌رشه‌قامه‌کان و بنیاته‌کانی

مالی و ئیداری و نیزامی ده‌سه‌لاتی حاکیم بکه‌ن به‌ ئامانجی هیرشی کینه‌یی خویان و ذیر و روویان بکه‌ن نه‌ک له‌ ضه‌نبه‌ره‌ی رپوره‌سه‌مه‌کانی روشنفکرانه‌ی ورده‌ بورذوایی ، خویان به‌ربه‌ست بکه‌ن و له‌ کۆتایی دا به‌ وتنی دوو ئارضا‌ه‌ شیعیر و طورانی و هه‌لئه‌رکی ریز له‌ خه‌باتی میژوویی هاوضا‌ره‌نووسانی خویان بطرن . ئه‌طه‌ر سته‌م کیشانی ولاته‌که‌مان نه‌توانن وه‌زعه‌که‌ به‌ قازانجی خویان بطۆرن ، ده‌با ضاوه‌روانی ئه‌وه‌ی بکه‌ن که‌ وه‌زعه‌که‌ له‌مه‌ی که‌ ئیستاکه‌ هه‌یه‌ خراوتر بیت .

رۆد به‌ رۆد زیاتر ده‌که‌ونه‌ به‌ر هیرشی سه‌رمایه‌ و ده‌سه‌کوته‌کانیان لی زه‌وت ده‌رکری . هه‌لومه‌رجی کار و دیان بویان سه‌ختتر ده‌بیت و ئه‌و کات له‌ هه‌لومه‌رجیکی ناله‌بارتر مه‌جبور ده‌بن ریزه‌کانی خویان بو مقاومه‌ت له‌ به‌رانبه‌ر هیرشی سه‌رمایه‌ ریک بکه‌ن .

کریکاران و زه‌حمه‌تکیشان :

یه‌که‌می مانطی مئی (رۆدی جیهانی کریکار) بکه‌ن به‌ رۆدی رده‌ی طورانه‌کانی سووری کار و زه‌حمه‌ت له‌ سه‌ر شه‌قامه‌کان و هیرش کردن بو سه‌ر بنیاته‌کانی ئاراستنی سیسته‌می داسه‌ئاری سه‌رمایه‌داری حاکیم . جه‌دنی کریکار و زه‌حمه‌تکیش له‌ نه‌بوونی هه‌لومه‌رجی زالمانه‌ی کاره‌ و کۆتایی هاتنه‌ به‌ دزایه‌تی کار و سه‌رمایه‌ و نه‌ک شتیکی دیکه‌ !

کار ، خانوو ، ئازادی

بذی سوسایلیزم

برووخوا ریذیمی کۆماری ئیسلامی ئیران ، دامه‌زرا کۆماری فیدراتیوی شورایی ئیران !

ریکخراوی یه‌کتیی فیداتیانی کۆمونیست

کومیته‌ی ئه‌باله‌تی کوردستان

طولانی ۱۳۸۷

حمله‌ نیروهای سرکوب رژیم به کارگران اعتصابی

ایران صدرا و دستگیریه‌ای گسترده‌ کارگران سرانجام اعتصاب کارگران ایران صدرا در بوشهر با یورش سرکوبگرانه‌ نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم اسلامی مواجه شد و طبق گزارشات منتشره در پیک ایران بعد از اینکه اعتراضات و اعتصابات مکرر کارگران از سوی کارفرما و دولت بی جواب ماند و کارگران اعلام کردند که به اعتصابات و اعتراضات شان ادامه خواهند داد. صبح امروز «بر اساس فرمان شورای تامین استان بوشهر و بر اساس فرمان مستقیم استاندار بوشهر، علی‌افراشته‌ و امام جمعه‌ بوشهر

۲-مریم خویینی هفته‌ نامه‌ نصیر بوشهر
۳-اسماعیل جعفری هفته‌ نامه‌ نصیر بوشهر
لازم بذکر است که سرگرد پاسدار شجاعی معاونت یگان ویژه‌ نیروی انتظامی استان بوشهر از آمران این سرکوب است که با عملیات سبعانه‌ خود به همراهی تعدادی از مزدوران رژیم سهم بسزایی در سرکوب امروز کارگران به‌عهده‌ داشت.

کارگران این شرکت هفته‌ گذشته با مسدود کردن دربهای ورودی و خروجی کارخانه‌ اعلام کرده بودند که در صورت عدم رسیدگی به خواست هایشان به اشکال دیگر اعتصاب و اعتراض دست خواهند زد. صبح همان امروز نیرو های انتظامی با قرق راه مواصلاتی جزیره‌ صدرا عملاً وارد مرحله‌ کنترل حرکت اعتصابی کارگران شدند ←

آیت الله ایمانی و دست اندر کاری سرهنگ جعفر کبگانی فرماندار بوشهر تجمع کارگران اخراجی شرکت ایران صدرا با سرکوب شدید یگانهای ویژه‌ نیروی انتظامی بوشهر روبرو و تا ساعت مخابه‌ خبر درگیری روبروی کاخ استاندار بوشهر بشدت ادامه دارد بر اساس آخرین مشاهدات میزان دستگیریه‌ها . همچنین مجروحین این حادثه به محض تکمیل اخبار به اطلاع ملت ایران و افکار آزاده‌ جهانیان خواهد رسید بر اساس همین گزارش در جریان این درگیری تعدادی از روزنامه‌ نگاران دستگیر و بازداشت و وسایل آنان توسط نیروهای امنیتی ضبط گردید. اسامی ۳تن از بازداشتی های خبرنگار به این شرح است:
۱-میترا انبارکی هفته‌ نامه‌ بیرمی و هفته‌ نامه‌ دریای جنوب.

این معضل البته تا کنون با مقاومت و مبارزه کارگران مواجه بوده است. معهذًا تا وقتی که کارگران موفق نشده اند مبارزات خود را متحدانه به پیش ببرند و آنرا سراسری نکنند این مشکل به جای خود باقی خواهد ماند وظیفه کارگران پیشرو این کارخانه ها و مراکز صنعتی است که ضمن سازمان دادن مقاومت پایدار کارگران محل کار خود تلاش کنند با کارگران سایر کارخانه ها بویژه کارخانه هائی که با مشکلات مشابه ای مواجه هستند ارتباط برقرار کرده و اعتراضات و اعتصابات خود را تحت خواست ها و مطالبات مشخص سازمان دهند و از اشکال مختلف مبارزه از جمله کشیدن اعتصابات درون کارخانه ها به اعتصابات تظاهراتی در خیابان ها و میادین شهر ها توده های مردم را در جریان اعتراضات و خواست های خود قرار داده و پشتیبانی عملی آنها را از مبارزات خود جلب کنند. ما ضمن پشتیبانی از اعتصابات کارگران ایران صدرا بار دیگر کارگران را به اتحاد و مبارزه فرا میخوانیم و سایر کارگران و نیروهای انقلابی را به پشتیبانی از اعتصابات کارگران ایران صدرا و دیگر کارگران اعتصابی دعوت میکنیم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

دسته جمعی با کمترین مزایا بدهند. این سیاست سالها است که توسط رژیم و سرمایه دارانی که میخواهند صاحب این کارخانه ها و مراکز صنعتی شوند و یا هم اکنون صاحب آنها هستند بمورد اجرا گذاشته میشود. سیاست دولت با این هدف اجرا میشود که این کارخانه ها را بعد از اخراج بخش وسیعی از نیروی کار آن قابل عرضه به سرمایه داران جدید که همان وابستگان به مافیای قدرت هستند، بنماید و سرمایه داران نیز که متکی به سرنیزه ارگانهای دولتی هستند. میخواهند تا قبل از تحویل گرفتن این کارخانه ها کارگران رسمی آنها توسط دولت اخراج شده باشند تا آنها اگر هم قصد راه اندازی کارخانه رادارند که اغلب اینطور نیست و آنها با خرید ارزان قیمت کارخانه ها و گرفتن وام های کلان دولتی زمینهای آنها را به قیمت گزاف فروخته و سرمایه هنگفت حاصل از آن را در تجارت و دلالتی پرسود به کار میگیرند) تا با استخدام تعداد کمی کارگر قراردادی آن هم گزین شده توسط ارگانهای تفتیش عقاید، خیال خود را از بروز مسائل کارگری راحت کنند و درعین حال با دادن دستمزد کمتر و حذف مزایائی که به کارگر رسمی تعلق میگردد، شدت استثمار را بیشتر و هزینه تولید را کم کنند تا به سود بیشتری دست یابند.

از ورود خبرنگاران به محل اصلی اعتصاب جلو گیری کردند. یکی از کارگران شرکت میگوید: در واقع کارخانه صدرا از دو سال گذشته که در بازار بورس سهام به بانک ملی ایران فروخته شد، مدیران جدید در پی کوچکتر نمودن کارخانه هستند و با اینکه قصد و اگذاری آن را به بخشها و پیمانکاران خصوصی دارند اما عملاً با سیاست جدید تعدیل نیرو دست به اخراج گسترده کارگران در شب عید نوروز زده اند. خبر دیگر حاکی از آن است که: کارخانه صدرا تحت عنوان خصوص سازی به شرکت های تحت پوشش سپاه پاسداران واگذار خواهد شد.

گزارشات امروز صبح حاکی از آن است که سردواندن کارگران این شرکت و وعده وعید های کارفرما تنها بمنظور اختلاف انداختن بین کارگران و آماده سازی زمینه سرکوب آنها صورت گرفته است.

پیرامون تشدید سرکوب در بلوچستان و اعدام رهبران مذهبی در این منطقه

رژیم جمهوری اسلامی اخیراً به بهانه ناآرامیها و اعتراضات سال گذشته در بلوچستان دستگیری و اعدام مخالفین خود در این منطقه را شدت بخشیده است.

طبق اخبار منشره روز ۲۱ فروردین ماه به حکم دادگاه شرع زاهدان عبدالقدوس ملازهی رئیس حوزه علمیه «چاه جمال» ایران شهر و مولوی محمد یوسف سهرابی مدرس این حوزه به همراه دو نفر دیگر به اتهام ارتباط با گروه جنداله عبدالمالک ریگی به دار آویخته شدند.

رژیم اسلامی که سیاست سرکوب گسترده جنبشهای اجتماعی در سراسر ایران، از جمله جنبش کارگری، زنان، دانشجویان، روشنفکران و فعالین ملیت های مختلف را در دستور قرار داده است. با دستگیریهای گسترده و سرکوب و اعدام فعالین سیاسی اجتماعی و مذهبی خلق بلوچ برآن است تا با ایجاد جو رعب و وحشت از گسترش اعتراضات در این منطقه جلوگیری بعمل بیاورد. دستگیری، گرفتن اعتراف زیر شکنجه و سپس اعدام روحانیون اهل سنت و دیگر فعالین بلوچستان در امتداد سرکوب

گسترش چنین روندی را تهدیدی بر موجودیت خود میدانند.

ما ضمن محکوم کردن دستگیری شکنجه و اعدام فعالین سیاسی اجتماعی و فرهنگی و مذهبی این منطقه، نیروهای انقلابی و پیشرو را مورد خطاب قرار داده و از آنها میخواهیم که با هشیاری تمام تحرکات و توطئه های رژیم و عوامل آن در منطقه را افشا کنند و با آگاه کردن مردم به عواقب شوم تحریکات رژیم و گروه های مرتجع منطقه توطئه آنها را نقش بر آب سازند و درعین حال مبارزات برحق خلق زحمتکش بلوچ را در راه آزادی و رفع ستم و استثمار و کسب حق تعیین سرنوشت در پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به راه انقلابی و ضد نظام ارتجاعی حاکم سوق داده و چشم انداز رفع ستم و استثمار و زور و سرکوب را در برابر کارگران و زحمتکشان خلق بلوچ بگشایند.

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری شورائی ایران برقرار باد جمهوری فدراتیو زنده باد سوسیالیسم

جنبشهای اجتماعی در سایر نقاط ایران صورت میگردد. درعین حال رژیم با تشدید سرکوب و اعدام روحانیون اهل سنت در این منطقه، ایجاد اختلاف و کشمکش بین گروه های مختلف مردم و سود جستن از این کشمکشها را دنبال میکند.

هم اکنون اعدام روحانیون اهل سنت به اختلاف میان مذاهب گوناگون بویژه شیعیان و سنی ها که تاکنون با مسالمت در کنار هم زندگی میکردند دامن زده است بطوری که بعد از این اعدامها، گروه «جند اله» از مردم غیر بومی خواسته است تا منطقه را ترک کنند و تهدید کرده است که افراد غیر بومی را نیز مورد حمله قرار خواهد داد. در صورت عملی شدن چنین تهدیدی، امکان گسترش درگیری بین افراطیون گروه های مختلف مذهبی و قومی بیشتر خواهد شد که نتیجه فاجعه بار چنین درگیریهای از پیش معلوم است.

آن چه که مسلم است، سیاست تشدید سرکوبگریهای رژیم در مناطق مختلف کشور ناشی از ترس از وجود نارضایتی های گسترده مردم از وضعیت اقتصادی، فرهنگی، ملی و سیاسی است که خود را در اعتصابات و اعتراضات گسترده نشان میدهد و رژیم حاکم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ایران

کمیته ایالتی تهران

برپاخیز ای داغ لعنت خورده،

روز روز تو و پیکار پیکار توست. بار دیگر ۱۱ اردیبهشت روز کارگر روز فریاد علیه سرمایه داری روز تجلی قدرت طبقه کارگر روز برابری و برادری فرا رسیده آن هم در شرایطی که کارگران ایران بحرانی ترین و سخت ترین روزها را سپری میکنند. گرانی و تورم افسار گسیخته بیداد میکند، فقر و بیکاری و تبعات آن سایه سنگین و سیاه خود را بر زندگی کارگران گسترانیده، صدها کارخانه و کارگاه و مراکز تولیدی یا به تعطیلی کشیده شده اند یا بدون پرداخت حقوق کارگران با کمترین توان با کار ادامه میدهند. عدم دریافت حقوق و تورم تأمین ابتدایی ترین نیازهای روزمره زندگی را برای

کارگران مشکل کرده است درحالی که عده قلیلی با داراییهای سرسام آور و نجومی خود که از چپاول و غارت ماحصل کار کارگران و زحمتکششان در پناه قوانین ارتجاعی رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بدست آورده اند در بهترین شرایط زندگی میکنند. سرمایه دارن همیشه در تلاشند با استفاده از تمامی امکانات و ابزارها با کمترین حقوق و مزایا در ابتدایی ترین شرایط کاری از کارگران بهره کشی کنند.

تنها سلاح برنده و قدرتمند کارگران برای طرح مطالبات خویش و تحقق شرایط بهتر کاری و افزایش حقوق و مزایا و..... اتحاد و همبستگی

است که میبایست با برپایی تشکلهای طبقاتی خویش صفوف خود را در برابر بورژوازی هرچه منسجم تر گردانند چرا که در برابر سرمایه داران متحد تنها کارگران متحد توان ایستادگی دارند. حرکتهای اعتراضی و طرح

به مانند دریافت حقوق ماهیانه پاسخی جز سرکوب و شکنجه و زندان نمیابد و به وضوح نشان میدهد هرگونه حرکت صنفی با پاسخی که رژیم به آن میدهد خود به خود جنبه سیاسی میابد و خود به خود بقای رژیم را زیر سوال میبرد. باید این باور را توضیح دهیم که تنها راه تحقق ابتدایی ترین حقوق انسانی، حذف فقر و بیکاری و فحشا و اعتیاد، تنها راه تحقق آزادی و برابری برچیدن مناسبات سرمایه داری و بساط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگری و تحقق سوسیالیسم است.



مطالبات در مراکز مختلف کارگری هرکدام ضربه ای بر پیکر سرمایه داری حاکم است ولیکن پراکنده ماندن و تداوم این پراکندگی این امکان را به رژیم سرمایه داری میدهد که با سرکوب سریع آن از همراهی و همبستگی سایر کارگران با این حرکتها جلوگیری کند. رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی برای حمایت از منافع سرمایه داران از هیچ اقدامی روی گردان نیست و طرح هر خواسته ای از طرف کارگران و زحمتکششان را به منزله اقدام علیه نظام و پذیرفتن حتی بخش ناچیزی از آن را به معنی تضعیف نظام میداند. در این راستا حتی طرح ابتدایی ترین مطالبات کارگران

مرگ بر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

کمیته ایالتی تهران

۸۷/۲/۹

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر میشود.

kar@fedayi.org

kurdistan@fedayi.org

کمیته کردستان

webmaster@fedayi.org

روابط عمومی

panahjo@fedayi.org

امور پناهندگی

azer@fedayi.org

کمیته آذربایجان